

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

نتیجه بررسی اصل و عکس قاعده «ما یضمن»

تا اینجا در این عکس قاعده؛ یعنی «ما لا یضمن بصحیحه لا یضمن بفاسده»، ما دو مورد از موارد نقض را بررسی کردیم. یکی در اجاره‌ی فاسد، دوم در عاریه‌ی فاسد. مرحوم شیخ(ره) در مکاسب چند مورد دیگر را هم بیان کرده‌اند. محقق خوئی(قده) در مصباح الفقاهه آن موارد را متعرض شده‌اند. اما با مطالب مفصلی که ما حول قاعده و عکس قاعده بیان کردیم، دیگر نیازی به این نیست که این را در اینجا دنبال کنیم. البته اگر يك وقت بخواهیم يك رساله‌ای در همین قاعده «ما یضمن» و «ما لا یضمن» بنویسیم، باید همه آن موارد را ذکر کنیم. اینجا ما بحث این قاعده را تمام می‌کنیم و بحمدالله هم در «اصل قاعده» و هم در «عکس قاعده» مباحث خیلی مفصلی مطرح شد.

جریان قاعده «ما من عام إلا و قد خص» در اندک موارد نقض

اگر ما قاعده را قبول کردیم و أدله‌اش را هم بیان کردیم، اگر يك مواردی را هم به عنوان نقض بر این قاعده پیدا شد، این از قبیل همان «ما من عام إلا و قد خص» است، یعنی موجب بطلان قاعده نمی‌شود، مگر اینکه اینقدر موارد نقض زیاد شود که قاعده را از قاعده بودن بیندازد. اگر کسی گفت نسبت به «ما لا یضمن بصحیحه لا یضمن بفاسده» ده مورد نقض داریم، اینجا دیگر قاعده از قاعده بودن ساقط می‌شود. اما اگر گفتیم سه چهار مورد بیشتر نیست، مثلاً ما بالأخره قبول نکردیم که بحث عاریه‌ی فاسد به عنوان نقض برای این قاعده مطرح باشد، حالا اگر دو سه مورد نقض پیدا کردیم، این از باب «ما من عام الا و قد خص» می‌شود و به قاعده ضربه‌ای را وارد نمی‌کند.

پس شما در مباحثه لااقل آنچه را که محقق خوئی(قده) در مصباح الفقاهه بیان کرده‌اند، ملاحظه کنید؛ یکی از موارد نقض؛ «شرکت فاسد» است، یکی از موارد نقض؛ «منافع مستوفاة یا غیر مستوفاة در مقبوض به عقد فاسد» است. چند مورد است که اینها را ببینید و ما اینجا بحث این قاعده را تمام می‌کنیم. ما از ابتدای امسال، مسأله‌ی سیزدهم تحریر را شروع کردیم. در مسأله‌ی سیزدهم کتاب البیع، این مسأله بود که مقبوض به عقد فاسد دارای احکامی است. اگر به يك عقد فاسد، مالی مورد قبض دیگری واقع شد، اینجا احکامی دارد که یکی از احکامش «ضمان» است. ما در این مسأله‌ی ضمان، بحث قاعده‌ی «علي الید»، آن مقدار مهمش که مرتبط به اینجا می‌شد را بررسی کردیم. قاعده‌ی «اقدام» را بررسی کردیم، قاعده‌ی «احترام» را بررسی کردیم و این قاعده‌ی «ما لا یضمن بصحیحه لا یضمن بفاسده» را هم بررسی کردیم.

مباحث مطرح شده در مسأله سیزدهم

یعنی ما در طول بحث امسال، و لو در این يك مسأله هنوز مانده‌ایم، اما چند قاعده‌ی مهم را بررسی کردیم که این قواعد در همه‌ی ابواب معاملات جریان دارد و اختصاصی به بیع ندارد. بحمدالله قواعد خیلی خوبی مطرح شد. در بحث «مقبوض به عقد فاسد»، يك اثرش ضمان بود که بحثش را تمام کردیم. اثر دوم آن این است که تصرف در این مال جایز نیست. اثر سوم «وجوب الرد فوراً» است. باید فوراً این مال به مالکش رد شود. اثر چهارم؛ «ضمان در منافع مستوفاة» است، و اثر پنجم؛ «ضمان المثل في المثلي و القيمة في القيمي» است. این آثاری است که باید یکی یکی بقیه را هم مورد بحث قرار دهیم. ما برای «اصل قاعده» هیچ دلیلی پیدا نکردیم. برای ادله ضمان دلیل داریم، اما دلیلی بر «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده» نداریم. برای «عکس قاعده» دلیل داریم، «اولویت» هست، «الناس مسلطون علی اموالهم» هست، در «ادله‌ی استیمان مالکی» شیخ (ره) هم که مناقشه کردیم.

تذکر و سفارش استاد محترم نسبت به نوشتن مطالب

کاری که شما باید انجام دهید؛ اینکه از اول تا آخر مباحث را يك دور بخوانید، يك نتیجه‌گیری کنید که مجموعاً برای «اصل قاعده» چند دلیل اقامه شد و برای عکسش چند دلیل اقامه شد؛ کدام دلیل مورد قبول و کدام دلیل رد شد؛ يك جمع‌بندی نهایی کنید و مجدداً خودتان باید تحقیقی وارد شوید و کار کنید. من توصیه می‌کنم که حتماً تابستان امسال يك رساله‌ی مفصلی در همین قاعده بنویسید، اگر عربی بنویسید مفید واقع می‌شود. علاوه بر آن؛ خودتان هم تحقیق کنید. ببینید الآن مرحوم شیخ فضل الله نوری (رضوان الله علیه) حدود صد سال پیش شهید شده، امروزه آدم می‌داند که غیر از جهات سیاسی‌اش، يك مرد خیلی ملایمی بوده، يك رساله‌ای در همین مورد دارد قاعده «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده» و «ما لا یضمن بصحیحه لا یضمن بفاسده». از این مسأله‌ی نوشتن غفلت نکنید، وسوسه خیلی سراغ آدم می‌آید، انسان وقتی دارد می‌نویسد می‌گوید چه فایده دارد؟ ما از آن کتاب به این کتاب می‌آوریم؛ به قول يك آقای که با روحانیت خیلی مأنوس بود که از دوستان مرحوم امام (رض) و مرحوم والد ما (ره) بود، خیلی هم انسان شیرینی بود، ایشان يك روزی منزل یکی از علما رفته بود، دیده بود در يك اتاقی 20 تا کتاب را کنار هم گذاشته‌اند و یکی دارد می‌خواند و دیگری می‌نویسد. از اینها سؤال کرد که دارید چکار می‌کنید؟

اینها گفتند که ما داریم احادیث را جمع‌آوری می‌کنیم، در يك جای دیگر وارد می‌کنیم. گفت که در يك جمله بگوئید که داریم احادیث را گور به گور می‌کنیم! البته در واقع اینطور نیست، این احادیثی که اینقدر متشتت هست، اگر کنار هم قرار بگیرد، در يك موضوع واحد، چقدر نتایج زیادی بر آن بار می‌شود؛ الآن هم همینطور است، و احادیث ما هنوز خیلی به موضوع بندی و تقریب نیاز به این مسائل دارد.

من تجربه‌ی خودم را عرض می‌کنم. یکی از چیزهایی که والد ما (رض) خیلی تأکید می‌کردند؛ «نوشتن» بود. انسان وقتی می‌نویسد، پیش خودش می‌گوید چه فایده و اثری دارد؛ اولاً در این نوشتن، شما روی صفحه‌ی کاغذ نمی‌نویسی، اگر با دقت بنویسی، در واقع روی ذهنتان می‌نویسید. یعنی روایتی که اینطور می‌نویسید، ذهن شما تصویربرداری می‌کند، دقت می‌کند و این در ذهنتان باقی می‌ماند. نکته‌ی دوم؛ موقع نوشتن انسان می‌فهمد که در کجا ضعف دارد؛ به قول ایشان در رجال، انسان وقتی حدیث را بررسی می‌کند، سند حدیث را می‌گویند صحیح است یا نه؟ می‌گوید من از کجا بگویم که این صحیح است یا نه؟ رجال و فقه الحدیث لازم دارد. انسان موقع نوشتن دقت می‌کند کدام مطلب را اول و کدام را دوم بیاورد؛ یکی از خصوصیات منحصر والد راحل ما (ره) این بود که مطالب را به قدری منظم ردیف می‌کرد که آرام آرام و قدم به قدم ذهن شنونده آماده می‌شد برای رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب. حالا گاهی اوقات يك مطلبی هست که چند تا مقدمه دارد، انسان می‌آید مقدمه پنجم را اول ذکر می‌کند.

اینطور نمی‌شود، باید به ترتیب گفت تا یکی یکی روشن شود. الآن شما این سیري کامل در اصول فقه را ببینید، انسان می‌بیند که مثل يك برنامه‌ي منظمي که تنظيم می‌شود، تا بخواهد به نتیجه برسد. خود ایشان به من می‌فرمودند که من دو جور مطالعه می‌کنم؛ يك مطالعه می‌کنم و فکر در عمق مطلب می‌کنم، که مطلب چیست؟ بعد که این تمام شد، فکر می‌کنم در چپش مطلب، که حالا کدام مطلب را باید اول گفت، کدام مطلب را باید دوم گفت. در نوشتن انسان این را می‌فهمد. آنگاه اینجا است که انسان می‌تواند بفهمد که این مقدمه اشکال دارد. پس نتیجه واضح است. برای اجتهاد انسان باید کم‌کم از همین راه وارد شود و إلا اگر این زحمات نباشد، فایده‌اي ندارد. تا می‌توانید بنویسید.

تقاضاي من این است که آقایان در این تابستان که دو سه هفته‌ي دیگر درسها تعطیل می‌شود، قاعده‌ي «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده» را بنویسید. مفصل‌تر از آنچه ما گفتیم بنویسید. آنچه را ما گفتیم تا می‌توانید مورد مناقشه قرار دهید. اگر به ذهن‌تان پنج تا اشکال می‌رسد، نگویید حالا يك اشکالش کافی است. هر پنج تا را بیاورید. چند سال که اینطوري کار کنید این سبب می‌شود که ذهن‌تان قوي و آماده می‌شود و اوایل کار هم يك مقداري مشکل است، اما بعداً آسان می‌شود.

باز خود والد راحل ما (ره) می‌فرمودند که برای من نوشتن عربي به مراتب از نوشتن فارسي آسان‌تر است، با اینکه انشاي فارسي ایشان خیلی قوي بود، ولي می‌فرمودند که عربي برای من خیلی آسان‌تر از فارسي است. بعد هم که از دنیا می‌روند می‌بینید که این همه آثارشان باقي مانده و این همه کتابها هست که در اختیار مدرسين و فضلاست که مراجعه می‌کنند. نوشته يك چیزی است که انسان را ماندگار می‌کند. حالا اگر هم چاپ نشود، بالأخره يك زماني می‌شود که نوه و نتیجه‌ي شما چاپ می‌کند، می‌گوید يك جد ملايی داشتیم این کتابش را چاپ کنیم. اگر انسان با اخلاص بنویسد باقي می‌ماند و منتشر می‌کند و مؤثر هم واقع می‌شود. لذا حتماً آقایان این را يك رساله‌اي کنید و اول سال دیگر اگر ما زنده بودیم و خدمت‌تان رسیدیم، رساله‌ها را می‌خوانم و نکاتش را مورد دقت قرار می‌دهم.

بحث تصرف در مقبوض به عقد فاسد

چند بحث باقي مانده است. اولین مطلب این است که در «مقبوض به عقد فاسد»، ما مسأله‌ي ضمان را که يك حکم وضعي بود بررسی کردیم. حالا آیا تصرف در این جایز است یا نه؟ مرحوم شیخ (ره) در مکاسب می‌فرماید تصرف در مقبوض به عقد فاسد جایز نیست. در حواشي مکاسب برخي مثل مرحوم سید یزدی (ره) تفصیل داده‌اند و می‌فرمایند در جایی که در عقد فاسد، دافع، جاهل است، تصرف جایز نیست، اما در جایی که در عقد فاسد، دافع، عالم است به اینکه این عقد فاسد است، مع ذلك می‌آید مالش را در اختیار دیگری قرار می‌دهد، این تصرف جایز است.

مرحوم سید (ره) بین صورت جهل دافع و علم دافع فرق گذاشته است. اینجا دقت بفرمایید که در کبراي مسأله هیچ اختلافی بین فقها نیست. کبراي مسأله این است که تصرف در مال غیر، من دون إذن الغير جایز نیست. در کبراي مسأله بحثی نیست، اما بحث، يك بحث صغروي است. آیا در اینجا در عقد فاسد و در مقبوض به عقد فاسد، تصرف من دون إذن الغير است تا بگوئیم حرام است یا اینکه تصرف مع إذن الغير است تا بگوئیم جایز است. بحث در اینجا يك بحث صغروي است و بحث کبروي نیست.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.